روایت شهرآرا از فداکاری‌های یک حسینیه خانگی در محله مهرگان که اهالی را همدل کرده است

یک عاشقانه آرام

فرزانه شهامت
f.shahamat@shahraranews.i

گزارش روز

به لانه مورچه‌ها می‌مانَد؛ شلوغ و منظم. هر کسی برای انجام کاری که به او سپرده شده، در تکاپو و رفت‌وآمد است؛ در سکوتی حداکثری و آرامشی همراه با نشاط. همه‌شان درست می‌دانند چرا در این ساعت از روز، خستگیِ نشست‌وبرخاست و بالاوپایین رفتن از پله‌های خانه «حاج آقا» را به خواب و استراحت عصرگاهی ترجیح داده‌اند؛ همه، حتی نوجوان‌های سیزده‌چهارده‌ساله‌ای که آرام و پرتلاشند و شیطنت‌هایشان را گذاشته‌اند برای وقتی دیگر. فرش کردن حیاط خانه یا به قول اهالیِ شهرک مهرگان، «حسینیه» با قالی‌های تمیز و نه چندان نو تمام شده است و حالا باید بی‌فوت وقت، سراغ فرش کردن حیاط یکی از همسایه‌ها رفت. میزبانیِ هر روزه از جمعیت دست کم ۲۵۰ نفر، کار ساده‌ای نیست و هر طور شده است باید برای مهمانان این سفره بزرگ و ساده، جای مناسبی تدارک دید. کرونا و محدودیت‌هایش، زحمت حاج آقا و هم‌محله‌ای‌ها را دوچندان کرده‌است اما خسته و بی‌خیال از اجرای برنامه‌های هر ساله، این‌طور به نظر نمی‌رسد. نه فقط افطاری‌های رمضان، بلکه در همه برنامه‌های این خانه- حسینیه، همه اهالی محله الغدیر، هم میزبان‌اند و هم مهمان، و شاید این، راز همه اتفاقاتِ خوبِ حضور چندساله حاج آقا در محله باشد.

عکس: احمد حسنی | شهرآرا

حکایت تلاش‌های خیّرانه و فرهنگی حجت‌الاسلام سیدامیرحسین فیض‌آبادی در حاشیه شهر را شنیده بودیم.

وقتی با او تماس می‌گیریم تا برای دیدار حضوری قرار بگذاریم، صدای دورگه‌ای پاسخ تلفنمان را می‌دهد و ناخواسته، نخستین شاهد برای شنیده‌هایمان می‌شود: «بابام الان نیست. رفته کمک کنه تا ماشین همسایه رو بُکسل کنن تا تعمیرگاه.»

بیشتر که پاپی می‌شویم، می‌فهمیم که خانم همسایه سرطان دارد و باید سروقت به نوبت شیمی‌درمانی‌اش برسد. خودروی شوهرش که خراب می‌شود، درِ همان خانه‌ای را می‌زند و سراغ کسی را می‌گیرد که بقیه همسایه‌ها، موقع خوشی‌ها و ناخوشی‌هایشان سراغش را می‌گیرند: «درِ خانه ما همیشه و به روی همه باز است؛ مگر اینکه خلافش ثابت شود.» این را حاج‌آقا با خنده می‌گوید. متولد ۶۳ و بزرگ‌شده محله پیروزی است. درس‌های رایج را تا پیش‌دانشگاهی و دروس حوزوی را تا سطوح عالیه (خارج فقه) خوانده است.

به‌خاطر معذوریت‌های کاری، قرارمان را ساعت ۱۳ گذاشته‌ایم، با مقداری احساس عذاب وجدان از اینکه لابد این ساعت از روز، زمان استراحت خانواده ۷ نفری حاج‌آقاست، ما باعث زحمتشان شده‌ایم و از این جور صحبت‌ها. همه این فکرها و تصورات با دیدن برو بیای منزلش که تتمه آن به کوچه هم سرازیر شده است، بی‌رنگ می‌شود.

به‌جز اعضای خانواده، چندنفری از در و همسایه هم در حیاط و جلوی خانه حضور دارند و همگی سخت مشغول فعالیت‌اند.

از زیر تابلو نصب‌شده روی سردر که مجوز کانون فرهنگی تبلیغی «از موج تا اوج» را نشان می‌دهد، عبور می‌کنیم و به حیاط منزل حاج آقا داخل می‌شویم؛ فضایی حدود صدمتری که به‌مدد سازه‌های موقت، سقفی بلند پیدا کرده است و بسته به شرایط و مناسبت‌ها، کاربری‌اش قدری تغییر می‌کند.

اینجا پیشتر از همه‌گیری کرونا و قرمز شدن شرایط گاهی برای اهالی محله، اعم از بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها، حکم سینمایی محلی را پیدا می‌کرد و گاهی برای نوجوان‌ها تبدیل به جایی برای فوتبال دستی و پینگ‌پنگ می‌شد.

کلاس قرآن، کارگاه خلاقیت کودکان، کتابخانه، اتاق بازی، انبار ظرف‌های مراسم و آشپزخانه‌ای جمع‌وجور برای آشپزی‌های بزرگ و ساده، در حد سوپ افطاری، از جمله کاربری‌های طبقه بالاست؛ یک بسته -بیش و کم- کامل برای خوب نگهداشتن حال یک محله.

آن‌طور که برایمان تعریف می‌کنند، ماه رمضان، حال‌وهوای این حسینیه خانگی و کوچه‌های اطراف را عوض می‌کند. نماز جماعت صبح که اقامه می‌شود، همسایه‌ها «فعلا خدانگهدار»ی می‌گویند تا ساعت ۱۱ که خانم‌های محله با رعایت فاصله گذاری، دور هم جمع می‌شوند و قرآن می‌خوانند. نماز قضا و جماعت ظهر و عصر که اقامه می‌شود، نوبت پاک کردن سبزی برای سفره افطار محله می‌رسد. ساعت ۵ عصر، نوجوان‌های محله، کلاس قرآن با چاشنی سرگرمی‌های جانبی دارند. بعد هم که باید کوچه، فرش و همه‌چیز مهیای برپایی نماز جماعت مغرب و عشا و پهن شدن سفره افطاری شود.

مدیریت با کفش‌های کتانی

بدون عبا و عمامه، وسط حیاط ایستاده است و کارها را مدیریت می‌کند. کتانی‌های بدون بند و گردوخاکی حاج‌آقا می‌گوید که نه مثل مدیرهای پشت‌میزی، اهل کنار نشستن و دستوردادن است و نه‌موقع کار میدانی، فرصتی برای رعایت این‌طور کلاس گذاشتن‌ها دارد. «بی‌زحمت مرغ‌ها رو تیکه کنین، خرماها هم برن داخل یخچال!» همان‌طور که ما را برای گفت‌وگو به طبقه بالا هدایت می‌کند، توصیه‌هایش برای کارهای زمین‌مانده را هم با صدای بلند می‌گوید.

هر چند تا پله‌ای هم که بالا می‌رویم، بابت شلوغی و نامرتب بودن اوضاع که چیز عجیبی هم نیست، یک «ببخشید» تحویلمان می‌دهد. آن‌طور که می‌گوید، فراز و فرودهای زیادی را تحمل کرده تا اعتماد کنونی، بین اهالی محله شکل گرفته است. برای گفتن از دشواری‌های گذشته، از عبارت «روزهای تلخ» استفاده می‌کند.

تلخی‌هایی که گوشه‌ای از آن‌ها را به اصرار ما تعریف می‌کند؛ به تصمیمش برای دل کندن از رفاه نسبی‌ای که پیش‌ترها داشته و با آمدن به حاشیه شهر بی‌خیالش شده است، ارتباطی ندارد. زندگی در آپارتمانی تر و تمیز در منطقه آب و برق، تدریس در مدارس غیرانتفاعی و انجام کارهای فرهنگی، وضعیت مالی خوبی برای حاج آقا، همسر، پسر هفت‌ساله، دو دختر و دوقلوهای نورسیده‌اش رقم زده بود. تا اینکه مجموعه‌ای فرهنگی پیشنهاد حضور و فعالیت در حاشیه شهر را می‌دهد. می‌گوید پیشنهادشان را قبول کرده است، چون اعتقاد دارد که سرباز، محل خدمتش را تعیین نمی‌کند.

سختی‌ها از جایی شروع شد که اختلاف‌های فکری بین حاج آقا و مجموعه یادشده و طرفدارانش آشکار شد. «با مردمی بودن کارها مخالف بودند. می‌خواستند مدیریت کار، همه‌اش با خودشان باشد. با نظام و سخنرانی‌های من هم زاویه داشتند. می‌گفتند برای آمدن آقا امام زمان(عج) فقط باید دعا کنیم. من قبول نداشتم و می‌گفتم دعا سر جای خود؛ باید اول، خانه را برای آمدن مهمان آماده کنیم، بعد بگوییم بیا منتظرت هستیم.

به‌وسعت یک محله

تلاش‌های چندباره‌اش به نتیجه نمی‌رسد. چهار پنج باری با بالا و پایین کردن دست‌های کوچکش، سعی می‌کند روسری نارنجی را زیر گلو گره بزند اما نمی‌شود. با غروری دلچسب، خودش را «زینب‌خانم» معرفی می‌کند. وسط صحبت‌های ما با حاج آقا، بی‌تفاوت وارد می‌شود و به بابا چیزهایی می‌گوید که به ترجمه نیاز دارد. حاج‌آقا با «بفرمایید»، تلفن همراهش را که عصای دستش برای هماهنگی‌هاست، تقدیم دختر سه‌ساله‌اش می‌کند.

خاطر حاج آقا تقریبا جمع است. با کمک اهالی محله، برنامه‌ها ردیف شده است. سهمیه نان ۳۰ خانواده بی‌بضاعت، مثل هر روز، خریداری و توزیع می‌شود. مراسم خواستگاری یکی از دخترهای محله هم دیشب با حضور حاج آقا به خوبی و خوشی برگزار شد. مقدمات برگزاری کلاس‌های تابستانه برای کودکان و نوجوانان هم فراهم شده است. مهد قرآن و صندوق قرض‌الحسنه محله نیز روی ریل افتاده است. برای افطاری هم، با اینکه اوضاع قرمز است اما کاری روی زمین نمانده است. امسال، خانواده پلاک ۸، دو چشمه سرویس بهداشتی در حیاط خانه‌شان اضافه کرده‌اند که مخصوص مراسم است. پلاک ۵ و ۱۰، حیاطشان را به شست‌وشوی ظرف‌های مراسم اختصاص داده‌اند. پلاک ۵ برای پذیرایی مهمان‌ها هم اعلام آمادگی کرده است.

حجت‌الاسلام فیض آبادی: دستگاه‌های متولی برای فعالیت در حاشیه شهر همه‌اش جلسه می‌گذارند، ظرفیت‌ها و عمق مشکلات منطقه را نمی‌شناسند و تصمیماتشان کاربردی نیست

پلاک ۱ و ۱۴ برای برگزاری نماز جماعت در شرایط بارانی، در حالت آماده‌باش هستند. دیگ و قابلمه‌های چیده‌شده در خانه پلاک ۱۱ را از نزدیک می‌بینیم. حیاط خلوت را داربست زده‌اند و آشپزی‌های سنگین شب‌های احیا را برعهده گرفته‌اند. بسته‌های خواروبار برای ۳۵ خانواده کم‌برخوردار هم آماده شده و قرار است امشب توزیع شود. در خانه پلاک ۱، چند سبد سبزی آش، شسته و به ردیف، چیده شده است تا برای افطاری امشب، خُرد شود.

تا با حاج آقا به خانه‌های کوچه کناری سری بزنیم، نهال‌هایی را که به همت اهالی کاشته شده است، نشانمان می‌دهد، نهال‌هایی که فلسفه کاشتشان این است: «برای بهترشدن شرایط زندگی‌مان منتظر کسی نمانیم.» کارها در خانه پلاک ۲۰ هم روبه‌راه است. یخچالِ پر از خرماها و قندهای بسته‌بندی‌شده و پیازهای سرخ‌شده برای دیگ افطار، این را می‌گوید. اهل محل با رعایت تمام پروتکل‌ها هرشب به ۲۰۰ نفر در فضای باز افطاری می‌دهند و افطار ۱۵۰ نفر را هم دم خانه‌شان تحویل می‌دهند.

اینجا بن‌بست است

تلفیقی و یک طورهایی آش شله‌قلمکار؛ این توصیفی از منطقه است، از سوی کسی که هفت سال در آن زندگی و سختی‌های کار فرهنگی را لمس کرده است؛ «اینجا، شیعه و سنی، غیر ایرانی و ایرانی و اقوام مختلف از بلوچ تا عرب را داریم. فعالیت جریان‌های انحرافی در حاشیه شهر هم هست که اسم نمی‌برم. مخالف بزرگ‌نمایی هستم اما برخی از سر بی‌خبری، فعالیت این جریان‌ها را انکار می‌کنند. برخی هم مصلحت اندیشند؛ البته مصلحت میزشان. چون اگر تأیید کنند، عملکرد خودشان زیر سؤال می‌رود. اینجا افراد، به خاطر تفاوت‌های فرهنگی، درک متقابلی از هم ندارند. فقر هم مزید بر علت شده است. آدم‌های خوبی هستند اما این شرایط، آسیب‌ها را جذب می‌کند. نتیجه‌اش می‌شود طلاق، اعتیاد، سرقت، جوانان ولگرد، خانه‌های تیمی برای روابط غیراخلاقی و پاتوق مواد مخدر. محله‌های اطراف را با کمک مردم رصد می‌کنیم. حداقلش این است که بگوییم الغدیر ۹، ۱۱، ۱۳ و ۱۵ برای جولان خلافکارها، ناامن است. فوری لو می‌روند؛ خودشان هم این را می‌دانند.»

او ادامه می‌دهد: مدتی هم بود که دزدی‌ها داشت زیاد می‌شد. با مردهای همسایه یک گروه ده‌نفری تشکیل دادیم. پنج نفر کشیک می‌دادند و پنج نفر در حیاط خانه ما استراحت می‌کردند. بساط دزدی‌ها هم جمع شد.

عملکرد دستگاه‌های متولی فعالیت در حاشیه شهر را محترمانه و کوتاه نقد می‌کند و می‌گذرد؛ اینکه همه‌اش جلسه می‌گذارند، ظرفیت‌ها و عمق مشکلات منطقه را نمی‌شناسند و تصمیماتشان کاربردی نیست. بحث را عوض می‌کند و نمونه‌هایی از شغل‌های ایجادشده با کمک خیران، برای اهالی منطقه را مثال می‌زند. زمان را برای پرسیدن سؤالمان مناسب می‌بینیم؛ این همه بدو بدو، چرا؟ نماز بخوانید و مسئله شرعی بگویید. این تصوری است که برخی از روحانیت دارند. بی‌ناراحتی پاسخ می‌دهد: تصور من از روحانیت این نیست.

بعد هم چند داستان کوتاه از سیره پیامبر تعریف می‌کند تا بگوید الگوی این رفتار را از کجا گرفته است. لابد این همه تلاش، از سر فراغت دل و خوب بودن شرایط مالی است. جمله اخیر را سبک و سنگین می‌کنیم و دوستانه می‌پرسیم: نفَستان از جای گرم بلند می‌شود؟ با لبخندی همواره جواب می‌دهد: بله، گرم است. منبع آن هم عنایت خدا و اهل بیت است. و آورده مالی نه؟ حاج آقا برای گفتن از وضعیت مالی‌اش معذب به نظر می‌رسد. چند جمله‌ای می‌گوید و قول می‌گیرد که ننویسیم. خلاصه‌اش می‌شود کمتر از متوسط جامعه. بارها روی شکرگزاری و مهربانی خدا تأکید می‌کند و بیتی می‌خوانَد: تو بندگی چو گدایان به شرط مزد نکن/ که خواجه خود روش بنده‌پروری داند.

رایانامه info@shahrara.com
پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ — ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ — ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰
پیام‌رسان

حرف مردم

سازمان ترافیک

ترشیزی| برای پارکینگ مدرس و سعدی فکری بکنید. یک پارکینگ طبقاتی بدون استفاده در جوار پارک ملت زدید و استفاده نشد.

نیروی انتظامی

علی حسین‌زاده| چند شب پیش یک قلدر پولدار در پیاده‌رو باهام درگیر شد. دوچرخه‌ام را پرت کرد و فحش داد. گفتم زنگ می‌زنم مأمور بیاید. باز هم فحش داد و گفت: «تا نزدم توی گوشت برو.» من باهاش درگیر نشدم، دوچرخه‌ام را برداشتم و رفتم. زنگ زدم ۱۱۰ گزارش دادم. چند ساعت گذشت، خبری نشد. دوباره زنگ زدم، گفتند: «مأمور آمده نبودید! همان جا باشید باز هم می‌آید.» رفتم زیر تابلو کوچه‌ای که آدرسش را داده بودم، نشستم اما نیامد. زنگ زدم، دوباره گفتند: «آمده نبودید! اگر نیامده زنگ بزنید به ۱۹۷.» زنگ زدم ۱۹۷ برنداشتند. چرا دستم به هیچ جا بند نیست؟

بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری

۸۸۲...۰۹۱۵| با اعتماد به بانک مرکزی، در مؤسسه کاسپین، اندوخته یک عمرمان را سپرده‌گذاری کردیم. چرا مؤسسه‌ای که تحت نظارت بانک مرکزی بوده، چهار سال است پولمان را پرداخت نمی‌کند؟ تقاضا داریم ریاست محترم دادگستری، موضوع را پیگیری کند.

شهرداری

کوثرا| فکری هم برای خیابان عبادی بکنید. خیلی به هم ریخته و غیرقابل تحمل هست خیابان. پیاده‌روها کثیف‌اند و اصلا فضای سبز مناسبی ندارند. ما ۴۰ سال است که اینجا زندگی می‌کنیم؛ حدفاصل چهارراه گاز تا چهارراه راه آهن. قبل و بعد این محدوده هم همین مشکل را دارند، یعنی از فلکه امام حسین(ع) تا شهدا.

صدرا| حدود یک سال است مالک زمین نبش نماز یک، پیاده‌رو و کوچه را به‌دلیل تخریب ساختمان مسدود کرده است و با وجود پیگیری‌های مستمر متأسفانه شهرداری رسیدگی نمی‌کند و معبر پیاده‌رو را باز نمی‌کند. اگر دست‌فروشی سر این خیابان بساط کند، خیلی زود به‌دلیل سد معبر جمعش می‌کنند، ولی یک مالک معبر را مسدود کرده است و کسی جواب‌گو نیست.

راه‌آهن

جواد| مشکل ما زمین‌های راه‌آهن است که بعد از ۱۹ سال هیچ جوابی به ما نداده‌اند. اگر ممکن است این مشکل مطرح بشود.

شهروند| ما ۱۹ سال پیش زمین خریداری کردیم از راه‌آهن؛ کلاته ابراهیم‌آباد. هیچ اقدامی برای تحویل نشده است. خواهشمندیم از شهرآرا که صدای ما را به مسئولان برسانند.

شهروند| محمدرضا- از سال ۸۱ زمینی را از بسیج راه‌آهن در شاندیز از اراضی ابراهیم‌آباد خریداری کردم اما مسئولان این کار تاکنون زمینی را به ما تحویل نداده‌اند. هر روز یک بهانه می‌آورند و هیچ شفافیت کاری ندارند. پیگیری کنید.

بادداشت

شوراهای محلات تصویر آینده مدیریتی شهر

روحا... قاسم‌زاده
رئیس اداره شورای اجتماعی محلات شهرداری مشهد

همان گونه که در امتداد تاریخ و عمر اجتماعات بشری، به‌مرور به ساحت شهرها اضافه شده است، مدیریت شهری نیز به‌ناچار توجه به این ساحت‌ها را به حوزه وظایف و اختیارات خود افزوده است؛ و امروز با مدیریتی چندساحتی روبه‌رو هستیم که علاوه‌بر رفع نیازهای جاری و اولیه یک شهر، چون پاکیزه سازی عمومی و تسهیل آمد و شدهای ترافیکی، به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر نیز باید توجه ویژه‌ای داشته باشد. تمرکز و تأکیداتی که فضای مدیریت شهرها را انسانی‌تر ساخت، شهروند در محوریت آن قرار گرفت و شهرها را به مرور به شهرهایی آرام و ایمن برای انسان‌های خودش تبدیل کرد؛ نه عناصر درخدمت شهروندان.

این تورم وظایف، رویکردها و ساحت‌های چندگانه در سازمان مدیریت شهری، توان برنامه‌ریزی اثربخش در مراکز تصمیم‌گیری‌ها را از مدیران شهری گرفته است و شهرها نیازمند مشارکت عمومی، پایدار و سازمان‌مند اجتماعات محلی در تصمیم‌سازی، نظارت و اجرای پروژه‌ها و وظایف یک شهر شده‌اند؛ به‌طوری که تصویر مدیریت آینده شهرها را نمی‌توان بدون حضور منسجم مردم و نهادهای اجتماعی تصور کرد. از سوی دیگر تأکید بر تمرکز و توجه به نیازهای محلی و در مقیاس کوچک محلی، موجب شده است نیازها، کمبودها و محدودیت‌های کوچک در سایه اولویت‌های بزرگ و طرح‌های بزرگ‌مقیاس شهری قرار نگیرند و به محاق نروند. حوزه و ساحت‌های اجتماعی همچنین، وقتی به مقیاس‌های کوچک محلی تقسیم می‌شوند، به بالفعل‌شدن و میدان آمدن حتی کوچک‌ترین ظرفیت‌ها در مقیاس یک محله منجر شده و به خودی خود به تسهیلگر مشارکت اجتماعی برای آحاد جامعه و شهروندانش تبدیل می‌شوند.

«شوراهای اجتماعی محلات» نمادین‌ترین نهاد و سازمانی است که قرار است این آمال و اهداف را به مقصود برساند. نهادی داوطلبانه، محلی، اجتماع‌محور، مستقل و جامع، که در ساختار آن تلاش شده است تمامی کلونی‌ها و گروه‌های اجتماعی موجود در یک محله، کرسی مخصوص به خود را در آن داشته باشند. کرسی‌ای که البته از مسیر و فرایندی آزاد و انتخابی به افراد و صاحبانش تعلق گرفته است و اختصاص تبصره‌های ۲۲ و ۳۹ بودجه‌ای، تغییر ساختار آن از انتصابی به انتخابی و تلاش در جهت آموزش مستمر و معرفی این نهاد و ظرفیت‌هایش به آحاد شهرنشینان یک شهر، درکنار همت و تلاش مستمر آنان افق پیش روی این نهاد را روشن نشان می‌دهد.

از نقطه عطف‌هایی که شوراهای محلات عظمت وجودی خویش را اثبات کرده و به نمایش گذاشته است، برهه ورود کرونا به ایران و شهر مشهد و سایه انداختن رکود بر رونق اقتصادی شهر بود. تلاش ویژه آنان در توزیع بسته‌های بهداشتی و معیشتی، ضدعفونی کردن معابر و شناسایی نیازمندان درمعرض آسیب، اثرات پایدار و ارزشمندی خود بر فضای اجتماعی شهر گذاشت.

پویش مشارکت‌محور کوچه‌های رنگی در ۷۰ منطقه شهری در نوروز ۱۴۰۰، تلاش در جهت آزادسازی ۱۶۳ زندانی جرایم غیرعمد که در این روزهای رمضان جاری است، پویش زندگی جاری است که در قالب اهدای خون سراسری انجام گرفت، تسویه حساب بدهی نیازمندان حاشیه شهر و... همه نشان از ظرفیت بزرگی دارند که درصورت بالفعل شدن، می‌تواند اثر بزرگی بر روح اجتماعی شهر بگذارد.

باری، شوراهای محلات، تصویر مدیریت آینده این شهر هستند و با همه کاستی‌ها، بی‌مهری‌ها و محدود بودن اعتبارات پیش می‌روند و دور نخواهد بود روزی که سهم آنان در مدیریت شهرها با مدیران و ساختارهای رسمی برابر می‌شود.

جوابیه

سرفاصله‌های زمانی با تعداد مسافران تغییر می‌کند

شهروند| چرا زمان رسیدن قطار شهری به ایستگاه‌ها را در ماه رمضان از ۵ دقیقه به ۸ دقیقه افزایش داده‌اید؟

شرکت بهره برداری قطار شهری| به استحضار شهروند محترم می‌رساند که سرفاصله زمانی حرکت قطارها تابع تقاضای سفر است و متناسب با ساعات پیک و غیرپیک تنظیم و اجرا می‌شود. با توجه به کاهش محسوس تقاضای سفر در ماه مبارک رمضان، هم‌اکنون سرفاصله زمانی حرکت قطارهای خط یک در روزهای عادی ۶ و ۷ دقیقه است.

خارج از محدوده خدماتی است

شهروند| ورودی روستای خین‌عرب در طرحچی ۳۳ را درست کنید. به‌دلیل باریک بودن راه هر روز تصادف می‌شود. خون مردمی که در اینجا تصادف می‌کنند به گردن مدیریت شهری است.

روابط عمومی شهرداری منطقه ۲| طرحچی ۳۳ خارج از محدوده خدماتی است و اصلاح معبر آن جزو وظایف شهرداری نیست.

روکش آسفالت؛ با تأیید معاونت و پس از پایان پروژه

شهروند| بولوار نمایشگاه حدفاصل تقاطع آزادگان تا بولوار وکیل‌آباد به طول حدودا ۷۰۰ متر، آسفالت بسیار خرابی دارد. کاش هم‌زمان با افتتاح تقاطع آزادگان، این قسمت کوتاه هم روکش آسفالت می‌شد.

روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۲| قسمتی از مسیر سال گذشته بهسازی شده است. مابقی مسیر باتوجه به تحویل مسیر به معاونت محترم عمران و حمل‌ونقل به‌عنوان متولی آسفالت سطح معابر، بعد از تأیید این معاونت و بعد از اتمام پروژه روکش آسفالت می‌شود.

اخطار داده شد

شهروند| نبش امام خمینی ۴۹ موتورفروشی است که موتورهای خود را داخل پیاده‌رو گذاشته است؛ آیا سد معبر نیست؟ اداره سد معبر شهرداری چرا با او برخورد نمی‌کند؟

روابط عمومی شهرداری منطقه ۸| در خصوص پیام شهروند مبنی بر «رسیدگی نکردن به سد معبر فروشگاه موتور نبش امام خمینی ۴۹» به استحضار می‌رساند از ابتدای سال ۱۴۰۰، سه برگه اخطاریه کتبی ۴۸ ساعته صادر و به صاحب کسب ابلاغ شده است که با توجه به رفع نشدن مشکل، موضوع به کمیسیون بند ۲۰ ارجاع و اخطار اولیه بند ۲۰ نیز ابلاغ شده است. در صورت تکرار تخلف، نسبت به پلمب محل اقدام خواهد شد.